■ روزنامه فرهنگی - اجتماعی صبح ایران
■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران
■ مدیر مسئول: یوسف قوچانی غروی

جام جم

یکشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۵ | ۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۱۲ صفحه روزنامه
سال بیست‌وهفتم | شماره ۷۴۲۱
Sunday | September 20 | 2026

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۴ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰

تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴
چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
شاپا: ISSN1735-3637

■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

نقشه جهانی جدایی

نرخ طلاق در جهان؛ ایران در میان کشورهای با آمار پایین جدایی

اینفوگرافیک تازه‌ای از «فکتس‌ولت» نگاهی جهانی به نرخ طلاق در کشورهای مختلف انداخته است؛ گزارشی که ایران را با ۱۴ درصد در میان کشورهای دارای ارقام پایین‌تر قرار می‌دهد و در نقطه مقابل، پرتغال با ۹۴ درصد و اسپانیا با ۸۵ درصد را در صدر آمار جدایی معرفی می‌کند، اما این ارقام تا چه اندازه واقعیت زندگی مشترک در جوامع مختلف را بازتاب می‌دهند؟

جدایی؛ از هند تا پرتغال

براساس این اینفوگرافیک که طیفی از ۳۵ کشور را از کمترین تا بیشترین نرخ طلاق رتبه‌بندی کرده، هند با یک درصد پایین‌ترین نرخ طلاق جهان را به خود اختصاص داده است. پس از آن اندونزی با ۶ درصد، ویتنام با ۷ درصد و مالزی با ۸ درصد قرار دارند. تاجیکستان (۱۰ درصد) و ایران (۱۴ درصد) نیز در میان کشورهایی هستند که آمار جدایی پایین‌تری ثبت کرده‌اند. امارات و مکزیک هر دو با ۱۷ درصد در میانه پایین جدول ایستاده‌اند. در میانه این فهرست، کشورهایی چون سنگاپور و ترکیه (۲۵ درصد)، تایلند (۲۸ درصد)، لهستان (۳۳ درصد) و ژاپن و آلمان (هرکدام ۳۸ درصد) دیده می‌شوند. بریتانیا و نیوزیلند با ۴۱ درصد، چین ۴۴ درصد، آمریکا ۴۵ درصد، کره جنوبی، دانمارک و ایتالیا ۴۶ درصد و کانادا ۴۷ درصد در آستانه مرز ۵۰ درصد قرار دارند. اما نیمه بالای جدول تصویر تکان‌دهنده‌تری دارد: سوئد با ۵۰ درصد، فرانسه ۵۱ درصد، بلژیک ۵۳ درصد، فنلاند و کوبا ۵۵ درصد، اوکراین ۷۰ درصد، روسیه ۷۳ درصد، لوکزامبورگ ۷۹ درصد، اسپانیا ۸۵ درصد و در نهایت پرتغال با ۹۴ درصد، بالاترین نرخ طلاق ثبت‌شده در این گزارش است.

ایران در کدام نقطه؟

قرارگیری ایران با نرخ ۱۴ درصد در میان کشورهای با آمار پایین جدایی، در کنار کشورهایی مانند هند، اندونزی و ویتنام، الگوی جالبی را نشان می‌دهد: بسیاری از این کشورها یا فرهنگ‌های خانواده‌محور با پیوندهای گسترده خویشاوندی دارند یا ساختارهای حقوقی و مذهبی‌ای که فرآیند طلاق را دشوارتر می‌کند. در چنین بستری، نرخ پایین طلاق لزوما به معنای رضایت بالاتر از زناشویی نیست، بلکه می‌تواند بازتاب موانع فرهنگی، اقتصادی و قانونی سر راه جدایی رسمی باشد. در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، «طلاق رسمی» تنها بخشی از ماجراست؛ پدیده‌هایی چون جدایی‌های عاطفی و افزایش سن ازدواج، تصویر پیچیده‌تری از روابط زناشویی ترسیم می‌کنند.

هشدار روش‌شناختی؛ اعداد را چطور بخوانیم؟

نکته مهمی که خود این گزارش بر آن تأکید دارد، مقایسه ناپذیری مستقیم این ارقام است. نرخ طلاق در کشورهای مختلف با روش‌های متفاوتی محاسبه می‌شود: بعضی کشورها نسبت طلاق به ازدواج در یک سال را مبنای قرار می‌دهند و برخی دیگر نرخ طلاق در میان کل جمعیت متأهل را. این تفاوت روش‌ها می‌تواند نتایج را به شکل چشمگیری جابه‌جا کند.

برای نمونه، وقتی نسبت طلاق به ازدواج در یک سال مشخص محاسبه می‌شود، اگر در آن سال آمار ازدواج افت کند، نرخ طلاق به‌صورت مصنوعی بالا می‌رود؛ بدون آن‌که تعداد واقعی جدایی‌ها افزایش یافته باشد. به همین دلیل، کارشناسان هشدار می‌دهند که این ارقام «الزاما تصویر دقیقی از پایداری ازدواج ارائه نمی‌دهند» و نباید آنها را شاخصی مطلق برای سنجش سلامت خانواده در یک کشور دانست.

چرا اروپا بالاتر و آسیا پایین‌تر؟

الگوی کلی این فهرست نشان می‌دهد کشورهای اروپای غربی و شمالی و اوکراین در بالای جدول و کشورهای آسیایی و خاورمیانه‌ای در پایین آن قرار گرفته‌اند. تبیین رایج این الگو ترکیبی از عوامل است: استقلال اقتصادی زنان، قوانین سهل‌تر طلاق، کاهش فشار نهادهای مذهبی، درآمد کافی برای تأمین زندگی مستقل پس از جدایی و پذیرش اجتماعی بالاتر طلاق. در مقابل، در کشورهایی که طلاق هزینه اجتماعی و اقتصادی سنگین‌تری دارد ـ به‌ویژه برای زنان ـ بسیاری از زوج‌ها به‌رغم نارضایتی، زندگی مشترک را ادامه می‌دهند و آمار رسمی پایین می‌ماند. به بیان دیگر، پایین بودن طلاق همیشه خبر خوب نیست و رقم بالای آن هم لزوما نشانه فروپاشی خانواده نیست.

آمار طلاق در کشورهای جهان

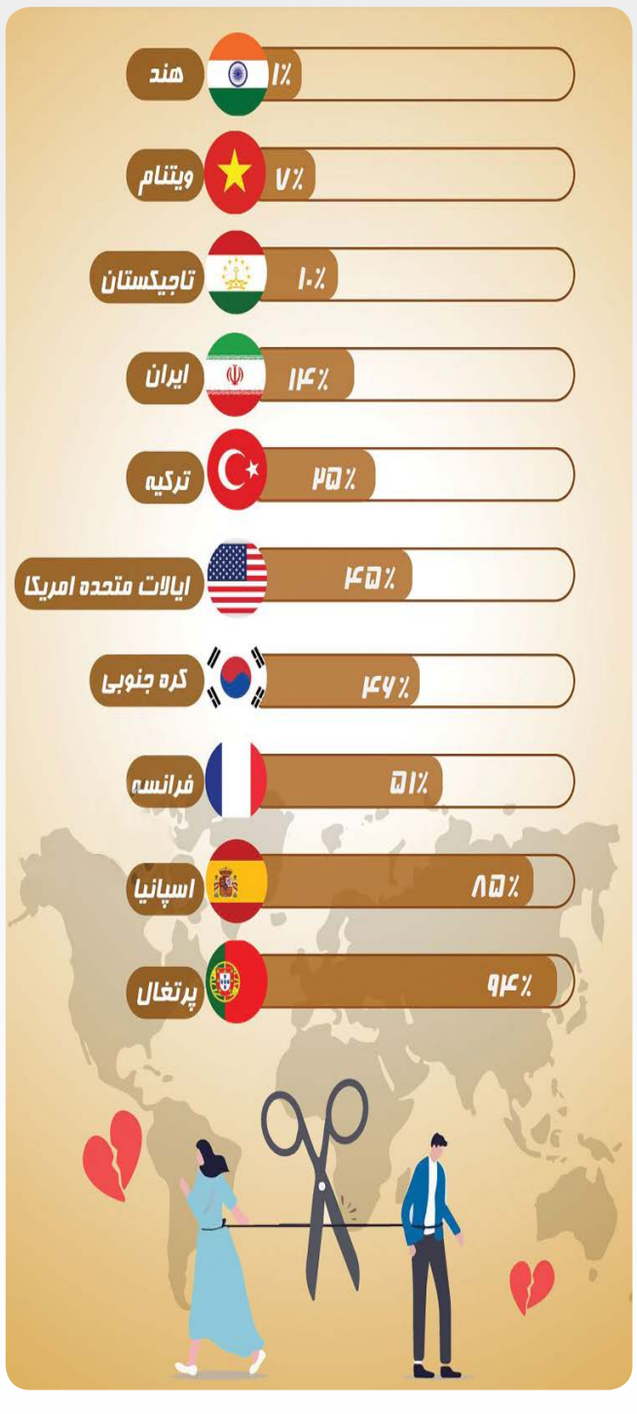

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۱:۵۸	نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۶
غروب آفتاب: ۱۸:۰۶	اذان صبح فردا: ۰۴:۲۶
اذان مغرب: ۱۸:۲۴	طلوع خورشید فردا: ۰۵:۵۱

حکمت

امام حسن عسکری(ع): مصیبت برای صابر، یکی است و برای آن‌که بی‌طاقتی کند، دوتاست./ بحارالانوار

واحه

از همه کس رمیده‌ام با تو درآرمیده‌ام
جمع نمی‌شود دگر هرچه تو می‌پراکنی/سعدی

شمیم رحمت

■ پیامبر اکرم(ص): زهد به دنیا، عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، گزاردن شکر هر نعمتی، و پرهیز از هر آنچه خداوند حرام کرده است./ کنزالعمال

مشق عشق

■ شهید کریم اسلامی: بر شما باد نماز و نمازهای جمعه و جماعت که با شکوه برگزار شود. بر شما باد جهاد با اموال و انفس. از غیبت و تهمت و دروغ دوری کنید و بر شما باد امر به معروف و نهی از منکر.

نکته‌روز

چرا سیاره ما شبیه «سیب زمینی» است؟

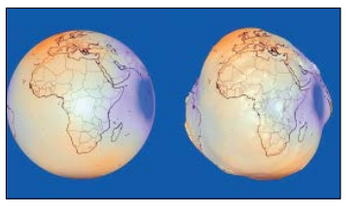

برای قرن‌ها، ما زمین را به شکل یک کره کامل یا بیضی‌گون تصور می‌کردیم؛ اما جدیدترین نقشه‌برداری‌های ناسا از میدان گرانشی زمین، این تصور رایج را به چالش کشیده است. با انتشار تصویری خیره‌کننده که حاصل ۱۵ سال پژوهش علمی است، ناسا چهره‌ای از سیاره ما را ترسیم کرده که بیش از آن‌که به یک کره بی‌نقص شباهت داشته باشد، به یک «سیب‌زمینی ناهموار» شبیه است. این تصویر که دانشمندان آن را «ژئوئید» می‌نامند، نمایش بصری توزیع جرم و گرانش در سراسر سیاره است. اما این «سیب‌زمینی فضایی» چگونه به دست آمده است؟ نکته کلیدی اینجاست: نیروی جاذبه زمین در همه نقاط آن یکسان نیست. برخلاف تصور عمومی، نیروی جاذبه تحت‌تأثیر عواملی چون کوه‌ها، دره‌های عمیق اقیانوسی و مهم‌تر از همه، تغییرات در چگالی مواد درون پوسته و گوشته زمین قرار دارد. مناطقی که جرم بیشتری دارند، گرانش قوی‌تری اعمال می‌کنند و در مدل ژئوئید، به صورت برآمدگی‌های ظریف نمایان می‌شوند. باید توجه داشت که این شکل، فرم فیزیکی پوسته زمین نیست؛ بلکه یک مدل ریاضی از سطح فرضی دریاهاست که اگر جزر و مد، باد و جریان‌های اقیانوسی حذف شوند و تنها گرانش و چرخش زمین حاکم باشد، آب‌ها چه شکلی به خود می‌گرفتند. برای درک بهتر این تفاوت‌های ظریف توسط چشم انسان، ناسا تغییرات ارتفاعی در این نقشه را ۱۰۱ هزار برابر بزرگ‌نمایی کرده؛ فرآیندی که نتیجه آن، این تصویر ناهموار و عجیب را رقم زده است.

این نقشه دقیق، حاصل تحلیل بیش از یک میلیارد داده مشاهده‌ای است که طی ۱۵ سال توسط ۱۹ ماهواره، از جمله مأموریت‌های شاخص «گریس» و «گوک» جمع‌آوری شده‌اند. داده‌های به دست آمده، نشان‌دهنده اختلاف‌های جالب‌توجهی در سطح مرجع گرانشی زمین است. به عنوان مثال، در حالی که در نزدیکی ایسلند شاهد برآمدگی وارتفاعی تا ۸۵ متر بالاتر از سطح مرجع هستیم، در جنوب هند گرانش به شکلی عمل می‌کند که گویی سطح دریا تا ۱۰۶ متر پایین‌تر از حالت معمول قرار دارد.

آینده پتروشیمی از دل ناترازی انرژی می‌گذرد؛

ارزش بیشتر با انرژی کمتر



حسام خوشبین فر
مدیرعامل شرکت پتروشیمی امیرکبیر

صنعت پتروشیمی ایران در آستانه یک انتخاب مهم قرار گرفته است؛ انتخابی که شاید تعیین کند این صنعت در دهه آینده صرفا یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی و تولیدکنندگان محصولات پایه باقی می‌ماند یا به یکی از مهمترین ابزارهای کشور برای خلق ثروت، امنیت اقتصادی و توسعه صنعتی تبدیل می‌شود.

سال‌ها معیار موفقیت ما روشن بود ظرفیت بیشتر تولید بیشتر و صادرات بیشتر. این منطق در دوره‌ای از توسعه صنعت، ضروری و حتی اجتناب‌ناپذیر بود. اما امروز شرایط تغییر کرده است.

ایران با محدودیت‌هایی در تأمین پایدار گاز برق خوراک و برخی سرویس‌های جانبی مواجه است.

از سوی دیگر، رقابت در بازارهای جهانی شدیدتر شده فناوری با سرعت بیشتری تغییر میکند و سرمایه نیز گرانتر از گذشته است.

در چنین شرایطی دیگر نمی‌توان موفقیت یک مجتمع پتروشیمی را صرفاً با تعداد تن محصولی که از در کارخانه خارج می‌شود سنجید.

سؤال مهمتری پیش روی ماست

از هر متر مکعب گاز هر کیلوگرم خوراک و هر واحد انرژی چه میزان ارزش اقتصادی برای کشور ایجاد می‌کنیم؟ به اعتقاد من این سؤال باید به یکی از شاخص‌های اصلی نسل آینده صنعت پتروشیمی ایران تبدیل شود.

ما به یک تغییر نگاه نیاز داریم عبور از حداکثرسازی تولید به سمت حداکثرسازی ارزش به ازای انرژی و خوراک».

این تغییر شاید در ظاهر یک مفهوم فنی باشد، اما در عمل می‌تواند بسیاری از تصمیم‌های بزرگ صنعت را تغییر دهد؛ از انتخاب پروژه‌های جدید تا نحوه تخصیص خوراک سرمایه‌گذاری در واحدهای پایین‌دستی انتخاب سبد محصولات مدیریت انرژی و حتی ارزیابی عملکرد مدیران

در شرایط محدودیت منابع الزاماً کارخانه‌ای که تناژ بیشتری تولید می‌کند ارزش بیشتری برای اقتصاد کشور نمی‌سازد. ممکن است یک مسیر تولید با مصرف کمتر خوراک و انرژی محصولی با ارزش افزوده بالاتر بازار مطمئن‌تر و اشتغال بیشتر ایجاد کند.

به همین دلیل معتقدم وقت آن رسیده است که در کنار شاخص‌های متعارف تولید و سودآوری شاخصی مانند ارزش خلق شده به ازای واحد انرژی و خوراک نیز به ادبیات مدیریتی صنعت پتروشیمی وارد شود.

این شاخص می‌تواند قطب نمای تازه‌ای برای توسعه باشد.

ناترازی انرژی فقط یک تهدید نیست

طبیعی است که محدودیت انرژی برای یک مجتمع صنعتی خبر خوبی نیست. توقف یا کاهش تولید مستقیماً بر درآمد صادرات، بازار و زنجیره پایین دست اثر می‌گذارد.

اما اگر از زاویه دیگری نگاه کنیم همین محدودیت می‌تواند صنعت ایران را وادار کند وارد مرحله تازه‌ای از بلوغ شود.

در جهان صنعتی، محدودیت منابع بارها منشأ نوآوری شده است. وقتی انرژی فراوان و ارزان در اختیار یک صنعت باشد، انگیزه اقتصادی برای اصلاح فرآیندها کمتر است؛ اما هنگامی که انرژی به یک متغیر راهبردی تبدیل می‌شود، بازیابی حرارت، کاهش اتلاف هوشمندسازی فرآیند بهینه‌سازی مصرف تعمیرات پیش‌بینانه و ارتقای فناوری از موضوعات جانبی به مسائل اصلی مدیریت تبدیل می‌شوند.

ما نیز باید از همین نقطه عبور کنیم.

آینده پتروشیمی ایران فقط در ساخت مجتمع‌های بیشتر نیست؛ بخشی از آینده در هوشمندتر کردن مجتمع هایی است که امروز در اختیار داریم.

گاهی یک سرمایه گذاری هدفمند برای کاهش مصرف انرژی رفع یک گلوگاه تولید، افزایش قابلیت اطمینان تجهیزات یا تغییر سبد محصول می‌تواند برای اقتصاد کشور ارزشمندتر از افزودن یک پروژه بزرگ جدید باشد.

هر مجتمع، یک نیروگاه بهره‌وری

پیشنهاد من این است که صنعت پتروشیمی ایران یک برنامه ملی با عنوان «نهضت بهره‌وری انرژی و خوراک» تعریف کند.

در این برنامه هر مجتمع پتروشیمی موظف باشد نقشه دقیق اتلاف انرژی و خوراک خود را تهیه کند و پروژه‌های قابل اجرا را بر اساس سه شاخص رتبه بندی کند میزان کاهش مصرف میزان افزایش ارزش محصول و زمان بازگشت سرمایه.

نتیجه چنین برنامه‌ای باید قابل اندازه‌گیری باشد.

یعنی بتوانیم بگوییم یک مجتمع بدون دریافت خوراک بیشتر و بدون ساخت یک واحد عظیم جدید تنها با اصلاح فرآیند و سرمایه گذاری هوشمند توانسته است ارزش اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

این همان ظرفیتی است که گاهی در بحث‌های توسعه کمتر دیده می‌شود. حلقه بعدی؛ زنجیره ارزش اما بهره‌وری به تنهایی کافی نیست.

اگر بهترین کارخانه دنیا را هم داشته باشیم اما بخش عمده محصول ما در حلقه‌های ابتدایی زنجیره باقی بماند بخشی از ظرفیت خلق ارزش را از دست داده‌ایم.

مسیر آینده باید از «فروش محصول» به سمت «فروش ارزش» حرکت کند.

پلیمرها و محصولات پتروشیمی زمانی بیشترین نقش را در اقتصاد ایفا می‌کنند که در صنایع پایین‌دستی به قطعات صنعتی، تجهیزات پزشکی محصولات بسته بندی پیشرفته مواد مهندسی قطعات خودرو و صدها محصول با ارزش افزوده بالاتر تبدیل شوند.

بنابراین تکمیل زنجیره ارزش فقط یک سیاست پتروشیمی نیست؛ یک سیاست صنعتی است. در این مسیر باید بخش خصوصی واقعی شرکت‌های دانش بنیان و سرمایه‌گذاران صنایع پایین‌دستی را به صنعت بزرگ پتروشیمی متصل کنیم. مجتمع های بزرگ نیز می‌توانند به جای آنکه فقط تولید کننده محصول باشند، به سکوی توسعه یک اکوسیستم صنعتی پیرامون خود تبدیل شوند.

تاب آوری بخشی از تولید است

تجربه ماه های اخیر یک درس مهم دیگر نیز برای صنعت داشت امروز تاب آوری دیگر یک مفهوم مدیریتی انتزاعی نیست. پایداری خوراک برق و سرویس‌های جانبی ذخایر قطعات حیاتی توان تعمیر سریع امنیت زیرساخت نیروی انسانی آماده و سناریوهای از پیش طراحی شده برای بحران همگی بخشی از مفهوم تولید هستند.

کارخانه ای که فقط در شرایط عادی قادر به تولید است، الزاماً کارخانه ای با بهره‌وری بالا نیست.

صنعت آینده باید بتواند شوک را تحمل کند، سریع بازیابی شود و دوباره به مدار تولید بازگردد.

ما در پتروشیمی امیرکبیر نیز در ماه‌های گذشته با محدودیت‌های عملیاتی و انرژی مواجه بودیم و تجربه بازگشت واحدهای پایین‌دستی به ظرفیت کامل تولید بار دیگر نشان داد که سرمایه اصلی یک مجتمع تنها تجهیزات آن نیست؛ دانش فنی تجربه و اراده نیروی انسانی آن نیز بخشی از سرمایه تولید است.

آینده را از دل محدودیت بسازیم

من به آینده صنعت پتروشیمی ایران خوش بینم نه به این دلیل که مشکلات را نمی‌بینم.

اتفاقاً خوش بینی زمانی معنا دارد که محدودیت ها را دقیق ببینیم و برای آنها راه‌حل داشته باشیم.

ایران همچنان از منابع هیدروکربوری، موقعیت جغرافیایی، زیرساخت صنعتی و مهمتر از همه نیروی انسانی متخصص برخوردار است. صنعت پتروشیمی نیز طی دهه‌ها تجربه دانشی انباشته کرده که سرمایه ای کم نظیر برای کشور است.

اما مزیت های گذشته به تنهایی آینده را تضمین نمی‌کنند.

نسل بعدی پتروشیمی ایران باید کم‌مصرف‌تر هوشمندتر متنوع‌تر، تاب‌آورتر و نزدیکتر به بازار نهایی باشد.

شاید مهمترین تغییر نیز تغییر یک سؤال باشد.

به جای اینکه تنها بپرسیم

چند میلیون تن بیشتر تولید کردیم؟»

بپرسیم

از منابعی که در اختیار داشتیم چقدر ارزش بیشتر برای ایران ساختیم؟

اگر این پرسش به معیار تصمیم گیری صنعت تبدیل شود، محدودیت انرژی الزاماً نقطه توقف پتروشیمی ایران نخواهد بود؛ می‌تواند آغاز دوره‌ای باشد که در آن رشد نه فقط از مسیر مصرف منابع بیشتر، بلکه از مسیر دانش بیشتر بهره‌وری بیشتر و خلق ارزش بیشتر اتفاق می‌افتد.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

چه کسانی برابر شیطان بزرگ ایستاده‌اند؟

حالا در آغاز سومین سده ایام ایستادگی هستیم. از خود می‌پرسیم، مقاومت برای چی؟ پاسخش در دم نخست آسان بنظر می‌آید: برای محافظت واقعی نه فریب دهنده از ایران، از استقلال ایران برابر بی‌حیاترین فرعونیت و اغوا و جباریت و شیطنت و سلطه تاریخ بشر. تا اینجا پاسخ ساده است. هنوز اما هدف استقلال نهان است. استقلال برای چه محتوایی؟ این همان نکته بعدی است که گویی از نظر زمانی یک فاصله‌ای بین استقلال و انواع محتواها وجود دارد، لیکن در حقیقت وقتی دو امام و همه پیروان مؤمن‌شان می‌گفتند استقلال و وقتی همه مخالفان خط امام از مسلمانان لیبرال مثل مرحوم بازرگان تا دیکتاتورهایی با نقاب لیبرال‌های حریص به قدرت به هر قیمت مانند بنی صدر تا گروه‌هایی با نقاب آزادیخواهی و محتوای دیکتاتوری فاشیستی و توتالیتریستی فرقه‌ای مثل رجوی که آماده بود برای قدرت کفش صدام را هم برق بیاندازد چه رسد اروپا و آمریکا و حزب وابسته به بلوک شرق همچون حزب توده و حتی و همه گروه‌های چپ و راست، مسلمان و شبه سوسیالیست شبه لیبرال و شبه کمونیست چه امت و آرمان مستضعفان، چه خلق مسلمان و چه فدایی و پیکار.... وقتی اینان می‌گفتند استقلال یک کلمه مستعمل با تصورات ذهنی گوناگون را بیان می‌کردند که در عمل استقلال برایشان دروغی بود جهت فریب و کسب قدرت. اما آن نیرو که برابر همه قدرت‌ها و شیطان بزرگ برای فرمان حق متعال، ایستاده بود و هدف نخستش اجرای قسط در وسع بشر، خدمت به مستضعفان و مردم بی‌پناه و نشر ایمان و بپا داشتن جامعه‌ای اهل ایمان و سالم رها از سلطه باطل و اشراف حرامخوار و غارتگر و شکوفایی استعدادهای ملت برای بدوش کشیدن بار ضرورت‌های زندگی واقعا عزتمند و مستقل و پذیرش مسئولیت برپا کردن یک زندگی شرافتمند، مولد، پیش‌رو در دانش و فناوری و فرهنگ و بزرگی و قدرت اخلاقی بود امام ره بود. عشق او خدا بود و این عشق هستی را مملو از محبت پاک و عبودیت حق می‌خواست و حز پرودگار یکتا به قدرتی سر فرود نمی‌آورد و اسیر شرک و کدخدایی و نفس پلید و ابلیس ملعون نبود. او در مقام خالص و مخلص عبد استقلال از غیر خدا را طلب می‌کرد و آزمون رهایی از نفس و شیاطین جنی و انسی را سند بندگی پروردگار یکتا می‌دانست. ایستادگی او برابر آمریکا و کسب استقلال حقیقی، اجرای، فرمان الهی، نشر عبودیت حق و عدالت و اجازه ندادن به نامحرمان و حرمخواران و الیگارش‌ها به تصاحب قدرت بود. همه ملت حلال‌خوار از میلیون‌ها مستضعف تا کارخانه‌دار و تاجر و مدیر و رئیس جمهور و وکیل و وزیر.... را به ظلم ستیزی و خدمت و کار و تلاش و قدرت خودباوری برای برپا داشتن زندگی رها از بی‌عدالتی و استکبار و دروغ و تبعیض و استثمار و بردگی و تفرعن و ستم مادی و فکری فراخواند و برابر دو قدرت ایستاد و ایران را در جهان به بزرگ‌ترین شرافت الهی نه زرپرستی و عشرت سامری بالا برد و عزیز کرد. تثبیت این امر ایستادگی تنها پایه پیشرفت حقیقی و زندگی سالم و بهرمندی همگانی از مواهب الهی است. ایستادن جدی برابر سلطه ابلیس و شیطان بزرگ و ناتوان واقعی امریکا از سیطره و تسلیم اولین شرط دستیابی به آن جامعه سالم و حرکت به سمت وعده قطعی خداوند یعنی عدل جهانی موعود عج در زمین به امامت حجت بن الحسن العسکری منتقم خون حسین علیه اسلام، سید الشهدا و یعنی انتقام کل ظلم در تاریخ بشری تا امروز است.

متن کامل